



اعضای بیمار مرگ مغزی با بخشش بزرگ خانواده اش منجی بیماران شد

درخواست برادر برای

بخشش زندگی

مادر هم انگشت زد و خواهر هم رضایت داد. پدر هم چون ایثارگر بود و به رحمت خدا رفته است. گواهی فوت او را آوردیم و تمام کارها با کمک بیمارستان به سرعت انجام شد. پزشکان به کوروش باقری گفتند شورش با آمبولانس مخصوص به بیمارستانی در تهران منتقل می شود و پس از اهدای اعضای بدنش، پیکرش دوباره به شهر زادگاهش برمی گردد. همان شب با تهران تماس گرفتند و پس از انجام هماهنگی های لازم، برادر با آمبولانس به بیمارستان منتقل شد و بعد از اهدای عضو دوباره به زادگاهش برگشت. اعضای بدن شورش اهدا شد و تمام خانواده از انجام این کار خیر و ثواب خوشحال هستیم. پیکر شورش متعلق به ما نبود و متعلق به خدا بود، پس باید در راه خدا هم اهدا می شد که این کار را هم انجام دادیم.

دکتر سازان دهقانی، رئیس واحد فراهم آوری اعضای پیوندی بیمارستان سینا تهران در این باره بیان کرد: «با انتقال این بیمار از کرمانشاه به تهران، دو کلیه و کبد او به بیماران منتظر اهدای عضو پیوند زده شد و به آنها زندگی دوباره ای بخشید.»

عضو برادرش را مطرح کرد، ادامه می دهد: «در مورد اهدای عضو مطالبی خوانده بودم و با توجه به آن مطالب می دانستم افرادی هستند که به اهدای عضو نیاز دارند و از طرف دیگر فرهنگ اهدای عضو چندان میان خانواده های ایرانی جا نیفتاده است و نیاز به فرهنگ سازی دارد. چند روز قبل از اعلام قطعی وضعیت برادرم توسط پزشکان، انگار به من الهام شده بود برادرم دیگر بر نمی گردد، چون وضعیت خوبی در مراقبت های ویژه نداشت. به مادر هم آمادگی داده بودم که ممکن است برادرم دیگر چشم هایش را باز نکند و خودتان را برای مواجهه با چنین شرایطی آماده کنید. به هر حال نمی شود با تقدیر جنگید. وقتی موضوع اهدای عضو را به مادرم گفتم، از هوش رفت. وقتی کمی آب نوشید، حالش بهتر شد و این بار انگار آرامش روحی بیشتری داشت. مادرم گفت بیماران بسیاری با مرگ دست و پنجه نرم می کنند و چشم انتظار یک عضو بدن هستند تا دوباره به زندگی برگردند. اگر اعضای بدن شورش به آنها کمک می کند تا دوباره شاد و خوشحال زندگی کنند، رضایت می دهم. با اعلام رضایت مادرم، فرم های رضایت نامه را پر کردم.

و با این که در کماست اما هنوز از او قطع امید نکرده ایم و امیدواریم بهبود پیدا کند. چند روز در بیمارستان بالای سر برادرم بودیم و پزشکان وضعیت او را مداوم بررسی می کردند. روز سوم بود که دوباره از بیمارستان تماس گرفتند و گفتند سطح هوشیاری شورش کاهش یافته و دچار مرگ مغزی شده است. بعد هم به ما تسلیت گفتند و تاکید کردند به جز آنها، چهار پزشک دیگر هم باید مرگ مغزی برادرم را تایید کنند.»

شنیدن خبر مرگ قطعی برادر برای برادر، سخت بود و طاقت فرسا. در حالی که پزشک سعی می کرد موضوع اهدای عضو را با آرامش و کلمات مناسب با برادر شورش مطرح کند، کوروش با بغض، پیشدستی کرد و به پزشک گفت امکان دارد اعضای بدن برادرم را اهدا کنیم؟ پزشک که از شنیدن این حرف از دهان برادر شورش بسیار متعجب و در عین حال خوشحال شده بود، به او گفت: هر چه می خواستیم به شما بگوییم، خودتان در چند ثانیه گفتید. رحمت به پدر و مادران. کوروش هم گفت به سرعت رضایت خواهر و مادرم را هم کسب می کنم تا اعضای بدن برادرم به بیماران نیازمند و چشم به راه اهدا شود. دلم نمی خواهد خانواده دیگری مثل ما داغ ببیند.

کوروش در مورد این که چرا خود، پیشنهاد اهدای

«امکان دارد اعضای بدن برادرم را به بیماران نیازمند اهدا کنید؟» جمله ای که کمتر کسی از اعضای خانواده بیماران مرگ مغزی توان جاری کردن آن را بر زبان دارد اما کوروش باقری، با شهامت و شجاعت این جمله را گفت تا اعضای بدن شورش - برادر مجرد ۳۷ ساله اش - منجی بیمارانی شود که برای داشتن شانس زندگی دوباره، نیازمند پیوند اعضای بدن بیماران مرگ مغزی هستند. باقری از تصمیمی که گرفته است، به خود می بالد.

یکی از شب های سرد آخرین روزهای سال ۱۴۰۰، اعضای خانواده شورش منتظر بازگشت او به خانه بودند؛ بازگشتی که هرگز اتفاق نیفتاد. برادر شورش در مورد شب حادثه می گوید: «برادرم راننده ماشین سنگین بود و آن شب، به علت خواب آلودگی ناگهان با یک پراید تصادف کرد و خود رویش واژگون شد. این علتی بود که کارشناس راهنمایی و رانندگی به آن اشاره کرد. پس از واژگونی خودرو، برادرم را ساعت ۴ صبح به بیمارستانی در کرمانشاه رساندند و با توجه به وضعیت وخیمی که داشت، او را به اتاق عمل منتقل کردند. پس از عمل او را به بخش آی سی یو بردند و تحت مراقبت پزشکی قرار گرفت. ساعت ۷ صبح بود که از بیمارستان با من تماس گرفتند و گفتند برادران تصادف کرده

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۷
رنگ مشکی شماره موتور 1955326
شماره شاسی S1412286095494
به نام رضا صالحی مفقود گردیده و
فاقد اعتبار است.

مدرک تحصیلی اینجانب روزیتا فرخی فرزند محمد حسین
به شماره شناسنامه ۴۹۴۸۶ صادره از تهران در مقطع کارشناسی
ازشد ناپیوسته رشته مهندسی صنایع مدیریت سیستم و
بهره وری به تاریخ ۹۴/۰۶/۱۴ صادره از واحد دانشگاهی آزاد
پروند مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را
به نشانی: تهران، کیلومتر ۳۲ اتوبان تهران - ساوه، شهر پروند، بلوار
باجر دانشگاه آزاد واحد اسلامی واحد پروند تحویل دهد.

شناسنامه مالکیت موتورسیکلت مدل
۱۳۸۹ به رنگ قرمز شماره انتظامی
ایران ۶۳۴-۳۷۳۹۳ شماره موتور
NE0DJGBSD74306 شماره شاسی
NE0***180A8993661 به نام احمد
فیروز مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

دفترچه وکالت اینجانب اسماعیل چراغی
فرزند هدایت الله به شماره پروانه ۵۴۸۲۵ و
شماره دفترچه ۷۱۰۲۵ به شماره شناسنامه
۵۷ و شماره ملی ۴۲۳۲۱۳۳۰۲۱ مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۷
به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۱۳
۴۴۱ ن ۸۹ شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۳۲۷۴۹ شماره
شاسی NAAN01CA18E709579 به نام مجید
خیام نکویی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز و کارت خودرو سواری کار
تویوتا فوررانر رنگ قرمز روغنی مدل ۱۹۸۷ شماره
موتور 0132103 شماره شاسی 0002912 به شماره
پلاک ۳۲۹ ص ۱۶۵ ایران ۵۶ به نام مغری احمدی
روشنی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.